

" فرخنده " باد جنبش زنان کشور

فرخنده شهید، این دخت باشهامت افغان تا آخرین دقایق زندگی خود با دلیری یک دخت اصیل افغان از خود به دفاع برخواسته بود و درحالیکه وحشی صفتان نا انسان که نه تنها ننگ افغانیت و ننگ اسلامیت، بلکه ننگ انسانیت اند، آن مظلوم بی دفاع را با سنگ و چوب و خشت و مشت ولگد می کوبیدند و از سر و رویش خون جاری بود و با مرگ و زندگی دست و پنجه نرم میکرد...، اما با شهامتی که داشت هرگز داو و دشنام و پوچ و فحشی از دهان خونین اش بیرون نشد و به اثبات رسانید که تربیت فامیلی و افغانی یعنی چه.

با در نظر داشت مطلب باید علاوه کرد تا دیروز که خواهر نازنین ما فرخنده جان زنده بود، مربوط می شد به فامیل محترم خود و برادران، خواهران و پدر و مادر خود و ما را با او سروکاری نبود و خوب و بد او مربوط می شد به فامیل محترم آن زنده یاد، اما درست از آن زمان که جانین شرف باخته جسم و جان ایکه خدا به او بخشیده بود را از او گرفتند، درست از همان زمان و همان دقایق دیگر شهید ملت است، دخت افغان است و متعلق به ملت و مردم.



مردم اما از همان نخستین دقایق شاهد بودند که دستان پشت پرده و مغزان متفکر؟! عقب صحنه، چگونه دست به هم داده بودند و از گوشه و بیثقه ای و از هر سوراخ و سنبه ای سخت در تلاش بودند تا آن جنایت عظیم و وحشتناک را که براه انداخته و رهبری کرده

بودند به یک شورش عظیم در پایتخت کشور مبدل سازند که موفق نشدند و تیر های زهر آگین شان به هدف اصابت نکرد و با شهادت مظلومانه دخت افغان، به گونه ای فروکش کرد و...

اما تا جائیکه کلیپ ها نشان میدهند پدر فرخنده شهید به زبان خود اقرار کرد که نظر به تحدید قومندان امنیه کابل مجبور شده بود تا ادعا کند که فرخنده شهید تکلیف عصبی داشته است و نیز در همان کلیپ تهیه شده گفت که قومندان امنیه برایش گفته بود که با تمام خانواده خود کابل را ترک کرده و به ولایت خود برود، چون بگفته قومندان امنیه مذکور آنان که قادر نبودند جلو شهادت وحشتناک فرخنده را بگیرند، هرگز قادر نیستند که امنیت خانواده او را گرفته و از شورش و اغتشاش جلوگیری کنند و... (گویا قومندانی امنیه کابل قبلاً در جریان قضایا بوده است).

بعد کلیپ دیگری از ملای مسجد وزیر اکبرخان (ملا ایاز نیازی) منتشر گردید که به قوای امنیتی اخطار میداد اگر در صدد گرفتاری اغتشاشیون و قاتلین فرخنده برآیند، مردم بلوا خواهند کرد و از قاتلین شرف باخته به دفاع برخواست.

مردم افغانستان چه در داخل و چه هم در خارج از کشور این ملای جور و (نه لنگ و نه کور) را یکصدا نفرین کردند و بعداً دیده شده که از مراسم خاکسپاری شهید فرخنده هم با حقارت رانده شد.



Sharaf Baghlani
February 6 · 12

همراه قومندان ذبیح سالنگی در صحن لیسہ افغان ترک —
with Zabih Ullah — Salangi



بعدتر دیدیم که ملانیازی به منزل فرخنده شهید رفته و با پدر و برادران آن زنده یاد در حالیکه زهرخندی بر لب داشت عکس یادگاری گرفت و آنرا مجبور ساخت که به دفاع از او یک کلیپ دیگر در انترنت منتشر نمایند و باقی قضایا.

مردم خوب میدانند که شهر، شهر خربوزه است و زور از لوله تفنگ بیرون می شود. هیچ شکوه و شکایتی از فامیل محترم فرخنده شهید نیست، اما همه میدانند که چه دست های شومی در پس پرده وجود دارد و چه بازی های ننگینی در حال اجرا است.

نظر به موجودیت چندین کلیپ مختلف و عکس های بیشمار تا اندازه می توان به این نتیجه رسید که در عقب آن صحنه وحشتناک و خونین و آن عمل ننگین، دستان قدرتمند دیگر در کار بوده اند. پولیس کاملاً تماشاچی بوده است و دستور جلوگیری از آن فاجعه را نداشته است و در یک همکاری با ریاست امنیت قرار داشته اند. " شرف بغلانی" شرف باخته عضو ریاست امنیت بوده و پولیس با شناخت یا دستوری که داشته است، مانع عملکرد آن جنایت پیشه نشده و به گونه ای از جنایت هولناک او چشم پوشی کرده است و بگفته مشهور " شتر دیدی، ندیدی "

به این کلیپ خوب به دقت بنگرید <https://youtu.be/UI4YkdYa9mM>

قسمت (یک دقیقه و هشت ثانیه 1:08) درست و دقیق همان لحظه ایست که پولیس مؤظف به یکی از قاتلان فرخنده، (شرف بغلانی با پیراهن و تنبان سیاه و دستمال چهارخانه سیاه و سفید)، پشت میکند.

در عکس بالا طرف چپ (شرف بی شرف) را با قومندان پولیس (ذبیح سالنگی) می بینید و در عکس زیر همین شرف باخته را با جنایتکار کثیف دیگری مشاهده میکنید که موتر خود را از بالای جسد نیمه جان فرخنده شهید عبور می دهد.

آیا این همه تصادفی است؟!

به این کلیپ تازه از آن جنایت وحشتناک و ننگین هم اگر تکلیف قلبی ندارید نگاه کنید که یکی از قاتلان آن زنده یاد با پیراهن و تنبان نسورای با چه شور و شوقی مشغول انجام یک جنایت هولناک است و بشنوید که از اطفال هم چگونه استفاده ناجائز نموده اند:

https://youtu.be/Dp_bVWuidTI

و اما این هم عکس مامور ریاست امنیت (شرف بغلانی) با قاتل دیگری که موتر خود را از روی جسد نیمه جان آن شهید پاک با سبعبیت گذشتاند. هر دو جانی کثیف رفیق گرمابه و گلستان هم اند و شاید این دومی هم مربوط ریاست امنیت ملی باشد و از قضا!!! در همان روز و همان ساعت، در همان محل حضور داشته است!!!





آیا با قرار دادن این وقایع پهلوی هم به این نتیجه نمی توان رسید که هر دو جانی با تیم های اغتشاشگر و در همکاری با پولیس محل، قومندان ناحیه دوم کابل و امنیت ملی به چنان یک ماموریت شومی فرستاده شده باشند؟!

در عقب قضیه هم آنانی که بدون وقفه و با عجله تمام در حمایت از این تیم خونریز و وحشت گستر و بی رحم گلو پاره کردند، قرار داشتند که از زلمی زابلی آغاز و با سیمین غزل

احدزاده و ملا نیازی و راحل موسوی امتداد یافت که هر کدام در دفاع از جانیان شرف باخته قرن برخواسته و حتی ملا نیازی تا جایی پیش رفت که به قوای امنیتی اخطار داد که اگر اقدام به توقیف جنایتکاران بی آرم و کثیف بکنند، مردم قیام خواهند کرد و چند چرند از نوع ملائی دیگر و هم دیروز دیدیم و شنیدیم و خواندیم که عطا محمد نور هم به وحشت اندر شده که مبادا زد و بند های پشت پرده افشا شود، داد و فریاد گویا در حمایت از ملا نیازی براه انداخته و...

با در نظر داشت این همه زد و بند های پیدا و پنهان، دیده می شود که در عقب این جنایت فجیع، دستان نیرومندی قرار دارند و آن جنایت وحشتناک از قبل طرح ریزی شده بوده است.

با جرئت میتوان گفت که مسؤول درجه یک این جنایت خونین و وحشتناک در قدم اول آمریت پولیس ناحیه دوم کابل و مامورین پولیس منطقه بوده و به درجه دوم هم ریاست امنیت که دونفر از قاتلین بدسرشت و شرف باخته پیوند هائی با آن اداره دارد.

حال باید به دقت منتظر اجراءات مقامات مسؤول در زمینه بود و مقاماتی که این قضیه شرم آور را دنبال میکنند، مجبور و مکلف اند که به خواسته های برحق مردم افغانستان لیبیک گفته و جریان محاکمه را بصورت علنی برگزار نمایند و قاتلین شرف باخته را در ملا عام به دار بیاویزند



این است چهره های زشت، پر عقده، شرف باخته و جنایت گستر تعدادی از قاتلین " دختر افغانستان "، فرخنده شهید، خواهرک نازنین ما که ملت بی صبرانه در انتظار دیدن اجساد شان بالای دار است.

عکس ها سخن میگویند و کلیپ های متعددی که تماشاچیان بی احساس و بی مسؤولیت توسط تیلفون های دستی خود از آن جنایت عظیم فلم برداری نموده اند هم گویا و کاملاً واضح است. حال دیده شود که آیا میتوان به قضا کشور اعتماد کرد و یا اینکه قضا هم مانند پولیس اعتماد مردم را برای همیشه از دست خواهد داد.

در صورتیکه زر و زور و تندویر قضا را هم در کنترل خود داشته باشد و جنایتکاران شرف باخته به شدیدترین جزا محکوم نشوند و به زودترین فرصت به جزای جنایت زشت خود نرسند، فاتحه "حکومت وحدت ملی" را هم باید خواند.

خواهر عزیز، شهید فرخنده جان! تو برای همیشه زنده هستی و در قلب هر هموطن ات جا داری و دیگر به یک "نماد" مبدل شده ای.

ناگفته نباید گذاشت که خواهران فرخنده شهید در تمام مراسم به خاک سپاری، تدفین و فاتحه آن دخت افغان و آن شهید وارسته، با یکپارچگی و صلابت تمام و قدم به قدم با جسد مطهر او و با فامیل محترم اش، با استواری و سرفرازی ایستادند و به اثبات رسانیدند که زنان افغان اگر دست به دست هم بدهند، فریاد شان به عرش معلی میرسد. خواهران گرامی همه شما افتخار افغانستان هستید، به چرند ها و داد و بیداد و چیغ و فریاد چند خود فروخته که از همبستگی شما ها به تب لرزه مرگ افتاده اند و چپ و راست نیش و دندان نشان میدهند، نهراسید. هر کدام شما "فرخنده" هستید. نگذارید خون فرخنده شهید به هدر رود. برادران شما هم همانگونه که دیدید، با شما بوده و شانه به شانه و قدم به قدم در کنار تان قرار دارند.

"فرخنده" باد جنبش زنان کشور!!!

رود بر روان پاک "دختر افغانستان"، فرخنده شهید!!!

خون ناحق دست از دامان قاتل برداشت دیده باشی لکه های دامن قصاب را



یک آهنگ جدید از شکیب سوزان در وصف شهید فرخنده

<https://youtu.be/M6jbDzdNoB8>